

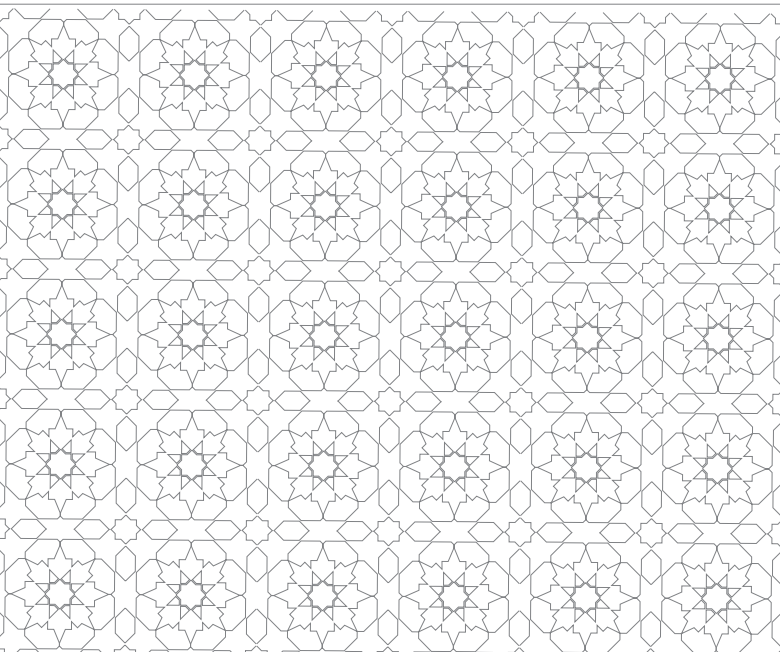
موعظه کتاب مقدسی

تت استیوارت



موعظہ کتاب مقدسی

تت استیوارت





انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

جهت تهیه این کتاب و یا دسترسی به سایر ادبیات مسیحی چاپ
انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی)، با رایانامه زیر به فارسی یا
انگلیسی تماس بگیرید

order@judeproject.org

سرشناسه: موعظه کتاب مقدسی

نویسنده: تت استیوارت

صفحه آرایی: انتشارات جهان ادبیات مسیحی (جام)

ناشر: انتشارات جام، زیر مجموعه جودپراجکت

چاپ: اول، ۲۰۱۹

شابک: ۹۷۸۱۹۴۱۶۹۳۳۴۶

حق چاپ این اثر برای انتشارات جام محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم گرفته شده است.

مقدمه/۷

بخش اول:

آیا برای موعظه کردن خوانده شده‌اید؟/ ۱۱

بخش دوم:

«کلام» را موعظه کنید/۱۹

بخش سوم:

موعظه‌ای که زندگی را دگرگون می‌سازد!/۳۱

بخش چهارم:

اهمیت موعظه تشریحی/۳۷

بخش پنجم:

کشف کلام خدا/۴۳

بخش ششم:

موضوع موعظه‌تان چیست؟/۴۹

بخش هفتم:

هدف موعظه/۵۷

بخش هشتم:

گوشت موعظه/ ۶۷

مقدمه

در طول چهل سال خدمت میان ایرانیان، به صدها موعظه گوش کرده‌ام و نقاط قوت و ضعف آنها را دیده‌ام. به نظر می‌آید بعضی از واعظان احساس می‌کنند هرچه واعظ بلندتر فریاد بکشد، خدا بیشتر کار خواهد کرد. وقتی به بعضی دیگر از آنها گوش می‌کنم، معلوم نیست که هدف اصلی موعظه آنان چیست. به یاد دارم که یک بار به برادر عزیزی گوش می‌کردم که ما را به هفت قسمت مختلف از کتاب مقدس برد و در حقیقت هفت موعظه نصفه و نیمه انجام داد که هیچکدام ربطی به هم نداشتند.

در این کتابچه کوچک که سال‌ها پیش نوشتم، چند اصل ساده کتاب مقدسی برای آماده‌سازی موعظه‌ای ارائه کرده‌ام که هم کتاب مقدسی باشد و هم مناسب شنوندگان. استاد موعظه

من می‌گفت که واعظ باید در یک دست کتاب مقدس، و در دست دیگر روزنامه داشته باشد. من از چالش‌های شبانی و دشواری آن آگاهم و یکی از وسوسه‌ها این است که بیشتر زمان‌مان را با مردم بگذرانیم و فراموش کنیم که زمان لازم است تا یک موعظه خوب آماده کنیم. موعظاتی که شب‌به‌شب تهیه شده باشند، معمولاً بهترین موعظه ما نیستند. زمان لازم است که دعا کنیم و راهنمایی خدا را بجوییم. زمان لازم است که مطالعه کنیم و دربارهٔ پیش‌زمینه و زبان متن تحقیقاتی انجام دهیم. اما اگر می‌خواهید ببینید که جماعت‌تان در شباهت به مسیح رشد می‌کنند، بسیار مهم است که هر یکشنبه به آنها غذای تازهٔ روحانی بدهید. موعظهٔ کلام خدا بوده است که در سراسر تاریخ کلیسا باعث بیداری‌های روحانی شده است. دنیای فارسی‌زبان در حال تجربهٔ یک بیداری روحانی عظیم است و بسیاری به سوی مسیح می‌آیند؛ و تنها راهی

که آنها می‌توانند در مسیح رشد کنند این است که عمیقا در حقیقت کتاب مقدسی ریشه کنند. لطفا این کتابچه را با دقت بخوانید و بکوشید اصولی که ارائه کرده‌ام را استفاده کنید. توصیه می‌کنم به واعظین خوب گوش کنید و ببینید چه چیزی باعث می‌شود موعظه آنان موثر باشد. قاعده ساده‌ای که من استفاده می‌کنم این است که با یکی از احتیاجات کلیسا شروع کنید؛ مثلا نگرانی. بعد آنها را به کتاب مقدس ببرید (متی ۶: ۲۵-۳۴) و به آنها نشان دهید که خدا چه تعلیمی درباره آن موضوع می‌دهد و بعد به آنها نشان دهید که چطور آن حقیقت را در زندگی خود به کار ببرند. موعظه‌ای که از سفر روحانی خود شما برآمده باشد، قلب دیگران را لمس می‌کند. من هیچ کاری در زندگی‌ام انجام نداده‌ام که به اندازه موعظه به جماعات فارسی‌زبان پر ارزش بوده باشد و می‌دانم که اگر شما هم روی موعظات خود کار کنید و آن را جدی بگیرید،

خدا شما را برای جلال خود و تعلیم کلیسایش
به کار خواهد گرفت. چه چیزی می تواند از این
ارزشمندتر باشد؟

کشیش نت استیوارت

بخش اول

آیا برای موعظه کردن خوانده شده‌اید؟

خدا می‌خواهد از طریق واعظ سخن بگوید. اگر می‌خواهید بدانید که کلیسایی تا چه حد سلامت است، باید به منبرش نگاه کنید و به واعظینش گوش دهید، زیرا از طریق موعظه بوده است که خدا در تمام طول تاریخ، کلیسا را احیا کرده و انسان‌ها را با پیام امیدبخش انجیل دگرگون ساخته است. مسیحیت اصیل، بستگی به موعظه کتاب مقدسی دارد. مسیحیت یعنی رابطه با خدا بر اساس کلامش. خدا از طریق انبیا سخن گفت (عبرانیان ۱: ۱-۳)، و سپس از طریق پسرش سخن گفت (یوحنا ۱: ۱-۲)، و اکنون نیز می‌خواهد از طریق واعظین سخن بگوید. موعظه یعنی بیان آنچه که خدا فرموده، به منظور اینکه

انسان‌های گمشده به سوی مسیح بیایند. موعظه است که انسان را به توبه سوق می‌دهد و ایماندار را به رشد و بلوغ ترغیب می‌کند. واعظ، این خدمت مقدس را بر عهده دارد که پیام خدا را به قلب‌های زخمی و بی‌روح برساند تا ایشان را ملزم سازد، تعلیم دهد، و با حقایق رهایی‌بخش، برکت‌شان دهد (یوجنا ۸: ۳۶).

واعظ باید دعوت شده باشد

واعظ باید از سوی خدا برای این خدمت دعوت شده باشد. اما بسیاری ممکن است با انگیزه‌های نادرست جذب آن شوند. بعضی مایلند موعظه کنند زیرا تشنه‌ی توجه مردم می‌باشند. بعضی دیگر نیز تشنه‌ی اقتداری هستند که فکر می‌کنند واعظ بر مردم دارد.

روزی یکی از دوستان قدیمی‌ام که بی‌ایمان است، به دیدنم آمد؛ او به محراب کلیسایی که در آن زمان محل خدمت‌م بود رفت و پشت منبر

قرار گرفت. او هر دو دست را قدرت‌مندانه بر منبر گذاشت و گفت: «این منبر چه قدرتی به آدم می‌دهد؛ از این قدرت لذت می‌بری، هان؟» در دلم گفتم: «کاش می‌دانستی با چه ترس و لرزی، و با چه حس ناتوانی‌ای پشت منبر می‌روم! چون برای من، موعظه کردن یعنی ایستادن در حضور او که مقدس است و می‌خواهد کلامش به درستی موعظه شود.»

منبر جای نمایش دانش و قدرت بیان واعظ نیست؛ منبر جای ریاست‌طلبی و سلطه‌جویی بر مردم نیست. منبر جایی است مقدس که واعظ باید با فروتنی پشت آن قرار بگیرد و با دعای بسیار به درگاه خدا، پیام او را به قوم او اعلام کند.

چگونه بدانیم که دعوت شده‌ایم؟

اما چگونه می‌توان دانست که کسی برای موعظه کردن دعوت الاهی دارد؟ آنانی که از سوی خدا برای این خدمت دعوت نشده‌اند، به دنبال یافتن

پیرو برای خود هستند، نه شاگرد برای مسیح. موعظه ایشان توبه حقیقی و ثمره ماندگار به ارمغان نمی آورد؛ فقط کسانی را جذب می کند که صرفاً می خواهند دین خود را عوض کنند! اینها صلیب را موعظه نمی کنند که بر روی آن، شخص باید برای امیال خود بمیرد؛ بلکه پیامی را موعظه می کنند که خدا را ابزاری در دست انسان معرفی می کند، ابزاری که نیازها و خواسته های او را برآورده می سازد. شما چه نوع واعظی هستید؟ آیا تشنه مسیح خدای متعال بر زندگی و موعظه خود هستید؟ اگر هستید، پس محک های کتاب مقدس برای چنین دعوتی را مورد ملاحظه دقیق قرار دهید.

از خودتان این سوالات را پرسید:

- ۱- آیا دعوت خدا را برای موعظه، در یک زمان خاص احساس کردم؟
- (اعمال ۹: ۱۵-۱۶، ۲۰، ۲۲: ۱۴-۱۵ را بخوانید).

بسیاری از خادمین خدا به یاد می‌آورند که در یک زمان خاص دعوت خدا را شنیدند. من شخصا زمانی این دعوت الاهی را شنیدم که نوزده سال داشتم و در یک جلسه عبادتی نشسته بودم و در مورد آیندهام دچار کشمکش بودم. آن صدا قابل شنیدن نبود؛ اما احساس نیرومندی به من دست داد که به دنبال ماه‌ها دعا و کشمکش در مورد آیندهام جاری شد. وقتی تسلیم این دعوت شدم، آرامشی شگفت‌انگیز سراسر وجودم را فرا گرفت.

۲- آیا شهادت روح القدس را در مورد این دعوت در قلب خود دارم؟

وقتی خدا کسی را برای موعظه فرا می‌خواند، این دعوت در طول زمان نیرومندتر می‌شود. وقتی در دانشگاه تحصیل می‌کردم، یک همکلاسی داشتم که واعظ توانایی بود. اما الان بر این عقیده‌ام که او دعوت الاهی را نداشت، به خاطر این واقعیت

که پس از چند سال، او خدمت را رها کرد. دعوت خدا دائماً در قلب انسان شعله‌ور خواهد بود.

۳- آیا احساس می‌کنم که عطای موعظه کردن را دارم (اول قرن‌تیاں ۱۲: ۷)؟

عطای وعظ فقط بستگی به استعداد طبیعی فرد ندارد، بلکه به سکونت روح‌القدس نیز بستگی دارد که به شما پیام‌هایی می‌دهد و قدرت می‌بخشد که آنها را اعلام کنید. وقتی عطای روحانی خود را به کار می‌گیریم، مسرور می‌شویم از اینکه می‌بینیم خدا ما را به کار می‌برد.

۴- آیا کلیسا دعوت موعظه مرا مورد تشخیص و تایید قرار می‌دهد؟

یک واعظ که موعظه‌هایش بسیار ضعیف بود، می‌گفت که مشکل او این نیست که نمی‌تواند خوب موعظه کند، بلکه اعضای کلیسایش عطای شنیدن ندارند! یکی از روشن‌ترین نشانه‌های

دعوت خدا از فرد برای موعظه کردن، استقبالی است که کلیسا از او می‌کند (اعمال ۱۳: ۱-۴). واعظ دانا واکنش آنانی را که باید هر یکشنبه به پیام او گوش دهند، جویا می‌شود؛ و هرگاه که پیامش باعث برکت می‌شود، خدا را شکر می‌کند و از او می‌خواهد که او را در این خدمت بیشتر رشد دهد.

۵- آیا موعظه من ثمربخش است؟

آیا در اثر موعظه شما، افراد توبه می‌کنند؟ آیا در اثر موعظه شما، مقدسین رشد می‌کنند و به سوی بلوغ می‌روند (اشعیا ۵۵: ۱۱)؟ موعظه کتاب مقدسی باعث دگرگونی گناهکاران می‌شود.

بخش دوم

«کلام» را موعظه کنید!

قدرت کلام خدا

«تو را در حضور خدا و مسیح عیسی... قسم می‌دهم... که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی، با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتائوس ۴: ۱ و ۲).

خدا می‌تواند جنبه‌های مختلف موعظه را با قدرت دگرگون‌کننده‌اش مسح کند؛ اما آیا هر واعظی را نیز مسح می‌کند؟ خدا واعظی را برای خدمت خود به کار می‌گیرد که کلام او را به درستی و به گونه‌ای موثر به کار ببرد. قدرت موعظه در کلام خدا است. از این رو است که پولس رسول در

رومیان ۱۰: ۷ می‌فرماید: «ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا». خدا برای ملزم ساختن و ایجاد ایمان در قلب انسان از کلام خود استفاده می‌کند، و واعظ دانا کسی است که همواره کلام خدا را با فروتنی مطالعه می‌کند تا راهی بیابد که پیام آن را به قلب‌های شکسته برساند (عبرانیان ۴: ۱۲-۱۳).

اهمیت نگرش واعظ نسبت به کتاب مقدس یک خادم پیش از آنکه بدل به واعظی توانمند گردد، باید برای خود مشخص سازد که اعتقاداتش در مورد کتاب مقدس چیست. واعظی می‌تواند موعظه‌های دگرگون‌کننده ایراد کند که هم زندگی‌اش و هم پیامش تماما منطبق با کلام خدا باشد. موعظه‌هایی که از عقل و منطق برخیزد، فقط بر عقل و منطق می‌نشیند، اما موعظه‌هایی زندگی‌شنوندگان را دگرگون می‌سازد که از قلب واعظی بر می‌خیزد که یقین دارد کتاب مقدس

مکاشفهٔ قعطی خداست و یگانه طریق برای شناخت اوست. او باید فرمایش پولس رسول در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ را بپذیرد که می‌فرماید: «تمامی کتب از الهام خداست...» و یقین بداند که فقط کتاب مقدس می‌تواند قلب گناهکاران را متحول سازد؛ او باید یقین کامل داشته باشد که نامی دیگر زیر آسمان و زمین نیست که به واسطهٔ آن بتوان رستگار شد (اعمال ۴: ۱۲)؛ او باید اعتقاد راسخ داشته باشد که کتاب مقدس هر آنچه را که برای زندگی مبتنی بر عدالت لازم است، در اختیار ما قرار می‌دهد. او باید با توکلی فروتنانه به روح القدس، به حضور خدا دعا کند و بعد از آن بدون ترس و پر از اشتیاق به منبر برود و پیام کلام الهی را با امانت و انتظار موعظه کند (اعمال ۲۰: ۲۷).

اشتیاق واعظ به کلام خدا

ارمیای نبی اشتیاق خود را برای اعلام کلام خدا

اینچنین بیان می‌دارد: «اگر نخواهم کلام تو را اعلام کنم و از جانب تو سخن بگویم، آنگاه کلام تو در دلم مثل آتش، شعله‌ور می‌شود تا مغز استخوان‌هایم را می‌سوزاند و نمی‌توانم آرام بگیرم» (ارمیا ۲۰: ۹، ترجمه تفسیری). اگر می‌خواهید کلام خدا در وجودتان همچون آتشی سوزان باشد، باید بر مطالب آن مسلط باشید و بگذارید آن نیز بر وجود شما مسلط باشد؛ باید هر روز آن را بخوانید و در مورد آن تفکر کنید، نه فقط برای تهیه موعظه، بلکه برای روح خودتان. واعظ مانند مکانیکی نیست که فقط بر روی کتاب مقدس کار می‌کند، بلکه مانند گوسفندی است که اجازه می‌دهد شبان نیکو با کلام خود خوراکش دهد.

لذا وقتی را در طول روز اختصاص دهید تا کتاب مقدس را به ترتیب از اول تا آخر، آهسته و با تأنی و تفکر مطالعه کنید و از آنچه که خدا با قلب‌تان سخن می‌گوید، یادداشت بردارید.

وعده‌هایی را که خدا داده است، جستجو کنید؛ درس‌هایی را که می‌توانید از شخصیت‌های کتاب مقدس بیاموزید، مورد توجه قرار دهید. در مورد آنچه که باعث جاری شدن برکات خدا می‌گردد، تحقیق کنید. در زمینه اطاعت از احکام او هشیار باشید. گناهایی را که باید از آنها بپرهیزید، به خاطر بسپارید. در مورد خدا و کارش در جهان تأمل کنید. وقتی خود را هر روزه همچون قربانی زنده به خدا تقدیم می‌کنید، او زندگی شما را بیش از پیش تبدیل به شهادتی در مورد فیضش خواهد ساخت، و موعظه‌های تان بیش از پیش عطر اصالت را پخش خواهند کرد.

با چه حالتی موعظه کنیم

حال به این مطلب می‌پردازیم که شخص باید چگونه کلام خدا را موعظه کند تا باعث دگرگونی زندگی دیگران شود. بی‌شک زندگی خود شما می‌تواند نمونه قدرتمندی باشد از

اینکه مسیح چطور انسان را عوض می کند؛ اما این کافی نیست. واعظ باید در به کارگیری کتاب مقدس مهارت کسب کند. او باید بداند که کتاب مقدس خودش در زمینه استفاده از خودش چه تعلیمی می دهد.

به این منظور به بررسی توصیه پولس به تیموتائوس در رساله دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ می پردازیم. با مطالعه این آیه ها، خواهیم کوشید راز موعظه با قدرت کلام خدا را بیابیم.

۱- معیارهای مقدس خدا را بدون ترس به جماعت خود عرضه کنید.

«تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم... مفید است» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶). سخن خداوندمان را نیز به یاد آورید که فرمود: «حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد» (یوحنا ۸: ۳۲). مانند واعظی نباشید که موعظه اش درباره گناه را اینچنین آغاز کرد:

«می دانم که نکاتی که درباره گناه می گویم، درباره هیچ یک از شما صدق نمی کند». تا زمانی که نیش گناه را حس نکنیم و قصور خود را نبینیم، احتمال کمی هست که به سوی مسیح بیاییم و شفا بیابیم. وظیفه واعظ اعلام حقیقت است، اعلام قدوسیت خدا به مردم. اگر به یک بیمار مبتلا به سرطان بگویید که کسالتش چندان جدی نیست یا اصلاً تخیلی است، لطفی در حقش نکرده‌اید. پزشکی را شجاع می نامیم که حقیقت را بیمار یا خویشانش بگوید.

۲- با محبت تشخیص دهید که جماعت شما در چه قسمت‌هایی از جلال خدا قاصرند.

در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶، کلمه دیگری به کار رفته است، یعنی «تنبیه». کار شبان بسیار شبیه به کار مامورین امنیت فرودگاه است که مسافری را از دستگاه فلزیاب عبور می دهند تا اشیاء غیرقانونی را بیابند. کار آنان فقط این

است که شما را از دستگاهی شبیه به چارچوب در بگذرانند؛ بقیه کار را دستگاه خودش انجام می‌دهد. موعظه کردن یعنی هدایت افراد به سوی نقطه‌ای که اجازه دهند خدا گناهان و جهالت‌شان را از طریق کلام خدا بیابد. راز موفقیت در این است که ایشان به مرحله‌ای برسند که بدانند این کلام خداست که ایشان را مورد داوری قرار می‌دهد، نه واعظ. به همین جهت است که پولس رسول می‌نویسد: «...تنبیه و توبیخ و نصیحت نما با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتائوس ۴: ۲؛ همچنین ر. ش به دوم تیموتائوس ۲: ۲۴-۲۶).

۳- به روشنی تعلیم دهید که خدا چه نوع واکنشی از جماعت خود می‌طلبد. در همان آیه ۱۶، کلمه «اصلاح» به کار رفته است. بسا موعظه‌ها شنیده‌ایم که ما را عمیقا ملزم ساخته‌اند، اما فکر کرده‌ایم که واعظ فقط

می‌خواهد که احساس گناه بکنیم و نه چیزی افزون بر آن. موعظه مبتنی بر کتاب مقدس همیشه راهی برای گریز از گناه پیش روی ما قرار می‌دهد. خبر خوش این است که عیسی آمد تا ما را فدیة دهد و رهایی بخشد (لوقا ۴: ۱۸-۱۹). بسیار دقت کنید که به روشنی به شنوندگان خود بگویید که چه باید بکنند. در غیر این صورت، جماعت پس از شنیدن موعظه خواهند گفت: «خوب، چه ربطی به ما داشت؟» پسر من وقتی کوچک بود، انگشت پایش را شکست. وقتی پزشک او را معاینه می‌کرد، دردش بسیار شدید بود، اما وقتی پزشک آن انگشت را بیشتر شکست، شوک وارده درد را بیشتر کرد. پزشک این کار را کرد تا انگشت به درستی بهبود بیابد. وقتی استخوان‌ها به درستی در کنار هم قرار گرفتند، انگشت را گچ گرفت. موعظه مبتنی بر کتاب مقدس، شنونده را به سوی عیسی هدایت می‌کند تا به واسطه تنبیه و

اصلاح، به درستی بهبود یابد.

۴- همیشه شنوندگان خود را امیدوار سازید!
 آیه ۱۷ می‌فرماید: «تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود». پولس رسول می‌خواهد ما بدانیم که وقتی تعلیم کتاب مقدس به درستی به کار برده می‌شود، امید هست که انسان تغییر کرده، رشد روحانی یابد. یک واعظ خدا ترس یک‌بار می‌گفت که وقتی به جماعت کلیسای خود نگاه می‌کند، آنان را آنطور می‌بیند که می‌توانند باشند، نه آنطور که در آن لحظه هستند. هر موعظه‌ای که می‌کنید، باید گناهکاران را به سوی صلیب جلب کند، به سوی جایی که بخشایش و شفا و امید هست. وقتی پسر م کوچک بود، از او می‌خواستیم که کنار دیوار بایستد تا قدش را روی دیوار علامت بزنیم. وقتی دفعه بعد، باز قدش را اندازه می‌گرفتیم، از دیدن رشد او چقدر خوشحال می‌شدیم.

موعظه‌ای که باعث تشویق ایمانداران به رشد می‌گردد و به آنان این امید را می‌بخشد که خدا در زندگی‌شان کار می‌کند، موجب خرسندی خدا و شادی فرزندان او می‌باشد.

بخش سوم

موعظه‌ای که زندگی را دگرگون

می‌سازد!

موعظه خوب کدام است؟

موعظه خوب باعث تغییر زندگی و رشد کلیساهای سالم می‌گردد. هیچ چیز دیگری مانند موعظه نمی‌تواند رابطه خادم را با خدا نشان دهد؛ هیچ چیز دیگری مانند موعظه نمی‌تواند قلب و فکر کلیسا را به سوی خدا برافرازد.

اگر موعظه‌ای این «نان حیات» را به مردم ندهد، هیچ ثمره ماندگاری نخواهد داشت. اما برای اینکه ثمره‌ای حاصل شود، پیام واعظ باید به زندگی شنوندگانش ارتباط داشته باشد. واعظ باید پلی باشد که کلام خدا را به زندگی افراد مرتبط سازد. شنونده باید فوراً احساس کند که آنچه از منبر

گفته می‌شود، به او و شرایط زندگی-اش مربوط است. او باید میان مشکلات خود و فیض خدا در عیسی مسیح ارتباطی احساس کند. اما اگر واعظ می‌خواهد که چنین پلی باشد، باید شنوندگان خود را بشناسد و در رنج‌ها و مشکلات‌شان شریک بوده باشد. اما در ضمن باید بداند که چگونه موعظه‌ای تهیه کند که وسیله‌ای باشد در دستان خدا برای انتقال امید و فیضش به مردمان رنج‌دیده.

طرح کلی يك موعظه خوب

در اینجا چهار چوبی ارائه می‌دهیم که با الگوگیری از آن، می‌توانید موعظه‌ای تهیه کنید که توجه شنوندگان را جلب کند و به ایشان نشان دهد که خدا برای زندگی‌شان چه نقشه یا راه‌حلی دارد.

نحوه آغاز

موعظه خود را با یک موضوع واقعی از زندگی

روزمره یا با مشکلی که باعث کشمکش در زندگی افراد می‌شود، آغاز کنید. از همان جایی آغاز کنید که مردم در آن قرار دارند. مگر عیسی در اناجیل همین کار را نمی‌کرد؟ برای مثال، فرض کنید که می‌خواهید دربارهٔ ماجرای ایلیا و انبیای بعل (اول پادشاهان ۱۹: ۱-۲۱) موعظه کنید. حال به نظر شما کدام بهتر است: اینکه موعظه را با تعلیم کتاب مقدس دربارهٔ ایلیا و پیروزی بزرگ او در کوه کرمل شروع کنید؟ یا با چنین سوالی: «آیا تا به حال اتفاق افتاده که چنان نومید شده باشید که دیگر نخواهید زندگی کنید؟» طبعاً شروع موعظه با چنین سوالی توجه همهٔ شنوندگان را جلب خواهد کرد، چرا که هر کسی در مقطع خاصی از زندگی خود در شرایطی قرار گرفته که دیگر میلی به زنده ماندن نداشته است. پس از بیان این سوال، می‌توانید تجربهٔ خودتان را با شنوندگان در میان بگذارید و بعد بگویید که در کتاب مقدس نیز افراد برجسته‌ای بوده‌اند که در

چنین شرایط سختی قرار گرفته‌اند.

درسی از کتاب مقدس

پس از ایجاد ارتباطی اینچنین با شنوندگان خود، توجه ایشان را به کتاب مقدس جلب کنید تا بدانند که خدا دربارهٔ شرایط سخت‌شان چه می‌گوید. می‌توانید بگویید که مرد خدایی بود که درست همان احساس شما را نسبت به زندگی داشت و بعد اول پادشاهان ۱۹: ۴ را قرائت کنید. به این ترتیب، میان متن کتاب مقدس و زندگی شنوندگان تان پلی ایجاد کرده‌اید. به هنگام بررسی دقیق متن، می‌توانید نکات مهمی را در موعظه‌تان بگنجانید؛ نظیر این دو نکته: ما در «واقعی» بیشتر آسیب‌پذیر هستیم که موفقیت‌هایی به دست آورده‌ایم. «وسیله» و «سبب» آسیب‌رسانی و نومی‌دی نیز گفته‌های نیش‌دار و تهدیدهای دیگران می‌باشد. در متن کتاب مقدس پلی طبیعی هست که نشان

می دهد ایلیا چگونه توانست از نومیدی خویش
رهایی یابد. می توانید از شنندگان خود بخواهید
که این پل را همراه با شما کشف کنند. در خود
متن، چهارچوبی طبیعی به شرح زیر می یابید:

۱- آیات ۴ تا ۸: خدا ایلیا را فرا خواند تا بیاساید.
وقتی خسته و درمانده ایم، امید خود را از دست
می دهیم و بیشتر در معرض نومیدی قرار
می گیریم.

۲- آیات ۹ تا ۱۴: خدا او را به سوی خود فرا
خواند. دور شدن از مشارکت با خدا، باعث
نومیدی می گردد.

۳- آیات ۱۵ تا ۱۸: خدا او را فرا خواند تا خدمتش
را از سر گیرد. وقتی از خدمت خود دور می مانیم،
بیشتر مایوس و ناامید می شویم.

کاربرد برای امروز

اکنون که شنوندگان خود را به دنیای کتاب مقدس برده‌اید، نباید ایشان را در همان جا باقی بگذارید. باید ایشان را به واقعیات زندگی امروزی بازگردانید. به نومی‌دی‌ها و یأس‌های خودشان. باید بر اساس تعلیمی که از کتاب مقدس دادید، ایشان را به سوی پیام کتاب مقدس و امیدی که در آن نهفته است هدایت کنید. شاید مناسب بدانید که موعظه خود را با چنین سوالی پایان دهید: «آیا می‌خواهید در چنگال امواج متلاطم نومی‌دی باقی بمانید؟ یا مایلی‌د صدای خدا را بشنوید و به سوی عیسی‌ی مسیح، این آرامی و امید الاهی بیایید؟»

بخش چهارم

اهمیت موعظه تشریحی

سه روش عمده برای تهیه موعظه
موعظه را می‌توان به سه روش عمده تهیه کرد:

* موعظه موضوعی: در این روش، واعظ یک موضوع روحانی یا اخلاقی را که در فکر یا قلب خود دارد بسط می‌دهد و از ماجراها و آیه‌های کتاب مقدس برای گفته‌های خود شاهد می‌آورد.

* موعظه آیه‌ای: در این روش، واعظ موضوع موعظه خود را از یک آیه اخذ می‌کند. سپس می‌تواند جزئیات موعظه را یا از خود آیه بگیرد یا از مطالب مورد نظر خود.

* موعظه تشریحی: در این روش، واعظ دو یا چند آیه را انتخاب می‌کند و به تشریح و تفسیر آنها پرداخته، بیان می‌دارد که مقصود اولیه و اصلی این آیات در زمان نگارش چه بوده است. بدون اینکه احساسات و برداشتها و عقاید شخصی خود را بر آنها بیوشاند. آخر الامر، پیام این آیات را به موقعیت امروزی شنوندگان ارتباط می‌دهد.

امتیاز موعظه تشریحی

همانطور که در آن فصل گفتیم، صاحب نظران معتقدند که سالم‌ترین روش موعظه، روش تشریحی است؛ چرا که در این روش، واعظ پیام خود را فقط محدود به مطالبی می‌کند که در آیات مورد نظر آمده است. به علاوه، موعظه تشریحی روشی بوده که از ابتدا در کنایس یهود و بعد در کلیسای مسیح متداول بوده و هنوز نیز در اکثر کلیساها مرسوم می‌باشد.

خطر روش موضوعی

ممکن است واعظ با استفاده از آیات مختلف و پراکنده، عقاید و نظرات و احساسات خود را در آن مقطع زمانی به عنوان پیام خدا به شنوندگان عرضه کند. از اینرو، دیده می‌شود که بعد از مرور سال‌ها، وقتی اندیشه و تجربیات واعظ دچار تحول و تکامل شد- که قطعاً می‌شود- پیام واعظ در خصوص همان موضوع تغییر می‌کند و این امر موجب بروز سوال برای شنوندگان و سردرگمی ایشان می‌شود. به همین جهت، شما را دعوت می‌کنیم تا موضوع موعظه و مطالب و تقسیم‌بندی‌های آنه را از خود آیات اخذ کنید تا کلام خدا را به درستی و با یقین کامل موعظه کنید.

اهمیت موعظه تشریحی

ما در این بخش، بر اهمیت موعظه به روش تشریحی (Expository Preaching) تاکید

می‌کنیم و به توضیح آن خواهیم پرداخت.
 دکتر هادن رابینسون که استاد رشته موعظه است،
 موعظه تشریحی را اینچنین توصیف می‌کند:

«موعظه تشریحی انتقال و اعلام مفهوم
 کتاب مقدس است، مفهومی برخاسته از بررسی
 تاریخی، ادبی و گرامری بخشی از کتاب مقدس
 در چهارچوب درستش. این مفهوم را روح القدس
 نخست در زندگی و تجربه واعظ پیاده می‌کند،
 سپس از طریق او در زندگی شنوندگانش.»

واعظی که مشتاق است مکاشفه الهی را موعظه
 کند، باید بگذارد کلام خدا برای خودش سخن
 بگوید؛ او کتاب مقدس را تبدیل به وسیله‌ای برای
 ابراز و اعلام عقاید خودش نمی‌سازد. او از روش
 بعضی از واعظین پیروی نمی‌کند که وعظ خود
 را با قرائت بخشی از کتاب مقدس آغاز می‌کنند
 و سپس مطالبی را در موعظه ارائه می‌دهند که

اصلا ارتباطی به آن بخش ندارد. او منبر را برای تخلیه خشمش بر مردم، یا انتقال حس گناه برای تحریکشان به عمل خاصی، یا بذله‌گویی برای سرگرم کردن ایشان به کار نمی‌گیرد، بلکه می‌کوشد در مقام نبی و سخنگوی خدا، بگوید که «این است پیام خدا به ما.»

بخش پنجم

کشف کلام خدا

سه گام برای تهیه موعظه

گام اول

برای اینکه مطمئن شوید که پیام خدا را با امانت بیان می‌کنید، نخست باید بکوشید که مقصود اصلی نویسنده را در چهارچوب و زمینه تاریخی‌اش کشف کنید. در این مرحله است که کتاب‌های تفسیر و کتاب راهنمای مطالعه کتاب مقدس کمک بزرگی خواهند بود.

گام دوم

دومین گام این است که واعظ تشخیص دهد که خدا چگونه می‌خواهد شخص او را تغییر دهد.

مطمئنم که همگی ما دچار این وسوسه شده‌ایم که کتاب مقدس را مشتاقانه مطالعه کنیم تا آن را به زندگی دیگران مربوط سازیم، نه به زندگی خودمان. به یاد دارم که واعظ توانایی یک بار به من گفت که موعظه‌ای که در عقل واعظ تهیه شده باشد، بر عقل مردم تاثیر خواهد گذاشت؛ ولی موعظه‌ای که در زندگی واعظ شکل گرفته باشد، بر زندگی مردم تاثیر خواهد گذاشت. اگر حقیقتی را شخصا تجربه کرده باشید، با اشتیاقی بیشتر موعظه‌اش خواهید کرد تا حقیقتی که فقط خوانده باشد. آن اشتیاق است که مردم را تحت تاثیر قرار خواهد داد. به همین دلیل است که نمونه‌هایی که در موعظه از زندگی خودتان بازگو می‌کنید، اغلب اثر بیشتری بر شنونده می‌گذارد. تجربه به من نشان داده که وقتی موقعیت خاصی از زندگی خود را بازگو کرده‌ام که از آن درسی روحانی گرفته‌ام، بعد از موعظه افراد بیشتری برای دریافت مشورت و دعا به

من مراجعه کرده‌اند. آنها می‌گفتند که نزد من می‌آیند چون می‌بینند که من نیز درگیر همان کشمکش‌هایی هستم که خودشان هستند. برای مثال، من اغلب تعلیم می‌دهم که باید در هر شرایطی خدا را شکر کنیم؛ اما این تعلیم زمانی تاثیر عمیق‌تری می‌گذارد که تجربهٔ بچه‌دار شدن خودمان را با شنوندگان در میان می‌گذارم. دکتر به ما گفته بود که نمی‌توانیم صاحب فرزند شویم، اما من و همسر من از کلام خدا اطاعت کردیم و در همان شرایط مایوس‌کننده خدا را شکر گفتیم. با نهایت تعجب، همسر من باردار شد و پسری به دنیا آورد که او را تیموته نامیدیم، یعنی «هدیهٔ خدا». این نمونه که تجربهٔ شخصی خودم است، شنوندگان را بیشتر متقاعد می‌سازد که مانند من در هر شرایطی خدا را شکر کنند.

گام سوم

سومین گام این است که واعظ دعا کند تا طوری

سخن بگوید که شنوندگان مقصود اصلی اش را درک کنند. آنها باید درک کنند که پیام ما چه بوده است. من هرچقدر بیشتر موعظه می‌کنم، با کمال تعجب بیشتر پی می‌برم که بسیاری از مردم اصلا متوجه مقصود اصلی من نمی‌شوند. به یاد دارم که یک بار دربارهٔ موضوعی موعظه می‌کردم که عنوانش این بود: «هرچه بخوریم، همان می‌شویم!» روی این موعظه خیلی کار کرده بودم تا نشان دهم که شخصیت ما را افکار و تفکرات ما شکل می‌دهند. بعد از جلسه، خانمی پیشم آمد و با تشکر گفت که تشویق شده که حتما رژیم بگیرد! او مطلقا متوجه مقصود پیام من نشده بود. عوامل بسیاری هست که بر توانایی درک افراد تاثیر می‌گذارد. واعظ باید از این عوامل آگاهی داشته باشد. یک بی‌ایمان نمی‌تواند جهالت صلیب را درک کند؛ کسی که در طغیان و عصیان زندگی می‌کند، گوش‌های خود را بر روی حقیقت بسته است؛ و شخص

افسرده و غم‌زده آنقدر دردمند است که قادر به شنیدن نمی‌باشد. اما دل‌سرد نشوید! این موانع و نیازها دقیقا راه‌هایی هستند برای نفوذ در دل شنوندگان، به شرطی که بتوانید پیام انجیل را به دردها و رنج‌های مردم مرتبط سازید. سی. اس. لوئیس چه درست نوشته که «خدا در شادی‌های ما زمزمه‌وار سخن می‌گوید و در دردهای مان با فریاد!»

موعظه کردن کاری است بس دشوار. باید کلام را مطالعه کنید. باید زندگی خودتان را به روی مسیح بگشایید و مطیع او باشید. همچنین باید روحیات مردم را مطالعه کنید و بیاموزید که چگونه در موعظه‌تان مشکلاتشان را مورد تحلیل قرار دهید. برای این کار، باید با اعضای کلیسای‌تان وقت صرف کنید و با ایشان و برای ایشان دعا کنید. پاداشی بزرگتر از این برای خادم وجود ندارد که ببیند جماعتش در فیض و قدوسیت رشد می‌کنند.

بخش ششم

موضوع موعظه تان چیست؟

در این بخش به بحث درباره روش تهیه موعظه تشریحی و راه‌های عملی آن می‌پردازیم.

ساختار کلی موعظه

خادم خدا وقتی تصمیمی گرفت که می‌خواهد درباره کدام آیات موعظه تشریحی تهیه کند، باید ساختار یا تقسیم‌بندی‌های زیر را برای وعظ خود در نظر بگیرد:

(۱) مقدمه

(۲) متن موعظه که شامل دو یا چند بخش کلی است؛ هر بخش کلی نیز می‌تواند به بخش‌های فرعی تقسیم شود.

(۳) نتیجه‌گیری و ترغیب به واکنش

اما پیش از اینکه به تهیه ساختار فوق پردازد، باید نخست «موضوع اصلی» یا نکته اصلی وعظ را بر اساس آیات انتخابی بیابد. او باید بداند طبق آیات مورد نظر، راجع به چه موضوعی وعظ خواهد کرد. نخستین گام عملی برای تهیه موعظه، تعیین موضوع آن است.

اهمیت مشخص بودن موضوع

موضوع موعظه چه بود؟

برای همه ما پیش آمده که پس از پایان موعظه از خود پرسیده‌ایم: «موضوع موعظه درباره چه بود؟» گاه نیز به شوخی می‌گوییم: «واعظ از کتاب پیدایش شروع کرد و تا مکاشفه موعظه کرد!» مردم ممکن است به احساسات و هیجانات ما در موعظه‌مان واکنش نشان دهند و با اینحال، در آخر موعظه ندانند موضوع بحث چه بود یا موضوع موعظه چه ربطی به زندگی آنان داشت. وقتی بالاخره موعظه‌مان تمام می‌شود، نفس

راحتی می کشند و با کیسه‌ای پر از مطالب پراکنده و عمدتاً غیر عملی به خانه می‌روند بدون اینکه موضوع موعظه در ذهن‌شان مانده باشد.

تقصیر کیست؟

البته ساده‌ترین کار این است که تقصیر را به گردن شنوندگان خود بیاندازیم و بگوییم که حواس‌شان پرت بوده است. اما شاید واقعیت این باشد که ما در انتقال درست مطلب و پیام‌مان موفق نبوده‌ایم. مشکل ما این است که گاه خودمان نیز نمی‌دانیم موضوع مرکزی و اصلی موعظه‌مان چیست. اگر موعظه تشریحی تهیه می‌کنیم، نمی‌دانیم کدام موضوع، پیام مرکزی و اصلی آیات را تشکیل می‌دهد. ممکن است متن را آیه به آیه تشریح کنیم، اما در پایان شنوندگان متوجه نشوند که پیام مرکزی ما چه بوده، تا چه برسد به اینکه بدانند چگونه باید آن را در زندگی خود به کار ببندند.

در یک جمله

در نتیجه، به هنگام تهیه موعظه تشریحی باید آنقدر آیه‌های مورد نظر را بررسی کنیم و آنها را مورد تعمق قرار دهیم تا پی ببریم که در قلب نویسندۀ آنها چه مطلبی شعله‌ور بوده است.

بهترین روش این است که موضوع اصلی یا پیام مرکزی موعظه‌مان را «در یک جمله» بنویسیم. سپس عناوین بخش‌های اصلی موعظه را تهیه کنیم تا بتوانیم به روشنی ببینیم که با توجه به موضوع اصلی موعظه، چه ارتباط منطقی‌ای باید میان این بخش‌ها وجود داشته باشد. «جوئت» (J. H. Jowett) که به «معلم واعظین» معروف است، می‌گوید: «تا زمانی که نتوانیم موضوع موعظه‌مان را در یک جمله کوتاه و پر بار و روشن بیان کنیم، موعظه‌مان آماده نیست.»

تا زمانی که موضوع اصلی آیه‌های موعظه را نیافته باشیم، قادر نخواهیم بود به تشریح و تفسیر درست آنها پردازیم و به شرایط واقعی

زندگی شنوندگان مان مرتبط سازیم. این امر را باید با چنان دقت و تسلطی انجام دهیم که شنوندگان مان به روشنی درک کنند که موضوع و نکته اصلی موعظه مان چه بوده است. «موضوع اصلی» موعظه همانند تنه درخت است و تقسیم‌بندی آن مانند شاخه‌ها. موضوع اصلی باید بر همه تقسیم‌بندی‌ها حاکم باشد و آنها را هدایت کند.

يك تمرين

برای روشن تر شدن مطلب، مثالی می‌آوریم. فرض کنید می‌خواهیم بر اساس مزمور ۱۱۷ موعظه‌ای تشریحی تهیه کنیم. طبق آنچه که گفتیم، نخست باید موضوع یا نکته اصلی این مزمور را بیابیم. از آنجا که این مزمور ۲ آیه بیشتر ندارد، انجام این کار ساده است. پیش از ادامه مطالعه این فصل، به این مزمور مراجعه کنید و در یک جمله کوتاه بگویید که موضوع اصلی این دو آیه

چیست. در نگاه اول، ممکن است فکر کنیم که موضوع اصلی، «حمد خدا» است. اما اگر دقت کنیم، متوجه می‌شویم که نویسنده می‌خواهد توجه ما را به «علت حمد خدا» معطوف سازد. پس در یک جمله، موضوع اصلی این مزمور این است: «چرا باید خدا را حمد گوئیم؟»

تا اینجا موضوع اصلی موعظه‌مان را تهیه کرده‌ایم و حالا نوبت بخش‌های اصلی آن است. در آیه ۲، دو علت برای حمد خدا ذکر شده است: یکی این است که «رحمت او بر ما عظیم است»، و دیگری اینکه «راستی خداوند تا ابدالآباد است.» این دو علت، دو بخش اصلی موعظه‌مان را تشکیل می‌دهند. اکنون هم موضوع اصلی موعظه‌مان را از آیات مورد نظر استخراج کرده‌ایم و هم تقسیم‌بندی آن را. این مزمور اگرچه نمونه‌ای است بسیار ساده، اما امیدواریم روش کلی تهیه موعظه را بیان کرده باشد.

تا زمانی که موضوع اصلی و عناوین بخش‌های

اصلی موعظه‌تان را از آیه‌های مورد نظر استخراج نکرده‌اید، برای وعظ کردن آماده نیستید. این کاری است دشوار و برای انجامش باید وقت صرف کرد.

ماجرای چوب‌بُر!

می‌گویند چوب‌بُری بود که تمام روز سخت کار کرد اما نتوانست حتی یک درخت هم ببرد. او چوب‌بر دیگری را دید که دیرتر از او آمد اما چندین درخت برید. وقتی تحقیق کرد، پی برد که آن دیگری به این علت دیرتر آمد که ساعات اولیه‌ی روز را به تیز کردن اره و تبرش سپری کرده بود.

اگر می‌خواهید واعظ ثمربخشی برای خداوند باشید، باید نخست تبرتتان را تیز کنید. باید آنقدر آیه‌های مورد موعظه را مطالعه کنید و در موردشان تحقیق و بررسی کنید که بتوانید آنها را ساده و روشن بیان کنید. موعظه‌ی خوب آن

است که نور کلام خدا را بر شنونده بتاباند و به او نشان دهد که چگونه باید از آن اطاعت کند.

بخش هفتم

هدف موعظه

چه واکنشی از شنوندگان انتظار دارید؟
یکشنبه گذشته در کلیسا نشسته بودم و مشتاقانه منتظر شنیدن موعظه بودم. با دقت به قرائت کلام گوش دادم و بعد خود را آماده شنیدن موعظه کردم. واعظ آن روز سخنران خوبی بود و با شور و شوق زیادی سخن می گفت. اما به تدریج احساس بی تابی کردم چون نمی توانستم مقصودش را درک کنم. به فکر گفته یکی از استادان درس موعظه ام افتادم که می گفت واعظ باید همیشه این سوال را در مورد موعظه خود مطرح کند: «خوب، که چی؟» موعظه ما چه ربطی به وضع شنوندگان دارد؟

در این فصل، می خواهم مسئله «هدف» را کمی بیشتر بسط دهم و آن را به هدف موعظه

کتاب مقدسی مربوط سازم.

هدف موعظه چیست

موعظه با هدف ایجاد تغییر

دعوت ما این است که طوری موعظه کنیم که در تفکر و زندگی کلیسا دگرگونی حاصل شود. «توزر» (A. W. Tozer) می‌نویسد: «حقایق الاهی ارزشی ندارند مگر آنکه از آنها اطاعت کنیم. هدفی که در پس تمام اصول اعتقادات وجود دارد، ایجاد عمل اخلاقی است.» بنابراین، تفاوت میان «هدف» موعظه و موضوع اصلی آن در این است که «موضوع» یک حقیقت اعتقادی را بیان می‌دارد، حال آنکه «هدف» مشخص می‌کند که شنونده چه گامی باید در اثر این موعظه بردارد. لذا بسیار ضروری است که واعظ در فکر خود یقین داشته باشد که چه «واکنش اخلاقی» از موعظه‌اش انتظار می‌رود و اطمینان حاصل کند شنوندگانش نیز به اندازه کافی متوجه شده‌اند

چه واکنشی از آنان انتظار می‌رود. باید از خود بپرسیم: «مایلم شنوندگانم چه واکنشی نشان دهند؟» بسیاری از موعظه‌ها این توهم را در شنونده پدید می‌آورند که گویی هدفشان فقط ارائه اطلاعاتی درباره کتاب مقدس می‌باشد. اما موعظه باید علاوه بر این امر، سبب ایجاد دگرگونی شود. برای نیل به این منظور، این دگرگونی‌ها باید به روشنی بیان شوند.

هدفی برخاسته از آیه‌های موعظه

هدف اخلاقی موعظه‌تان به گونه‌ای طبیعی از آن بخش از کتاب مقدس بر می‌خیزد که برای موعظه انتخاب کرده‌اید. در اوایل خدمت، برای اینکه این اصل را تمرین کرده باشم، تمامی مزامیر را خواندم و به هر یک عنوانی دادم که فکر می‌کردم طبق هدفی است که آن مزمور می‌خواهد به خواننده انتقال دهد. وقتی به مزمور ۱:۱۳۸ رسیدم که می‌فرماید: «تو را به تمامی

دل خود حمد خواهم گفت...» فوراً متوجه شدم که موضوع اصلی مزبور، تمامی آن رویدادهایی است که در زندگی یک ایماندار رخ می‌دهد و باعث می‌شود که او بخواهد خدا را حمد کند. سپس هدف یک موعظه در ذهنم نقش بست. هدف موعظه، تشویق همهٔ ایمانداران به حمد خدا با تمامی دل می‌باشد. نتیجتاً در این موعظه تمام مواردی که در زندگی ایماندار منجر به حمد خدا می‌شود، باید قید شود. من می‌بایست شنوندگانم را کمک می‌کردم که تجاربی را که در زندگی روحانی‌شان داشته‌اند، به یاد آورند. تک تک نکات این مزبور تبدیل شد به یک دعوت. در آیهٔ ۳، می‌خوانیم: «در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی.» هدف موعظه‌ام روشن بود؛ پس می‌توانستم مقصودم را به شنندگان منتقل سازم: «اگر مایلید قلب‌تان پر از حمد خدا باشد، باید زندگی‌تان مملو از دعا باشد و پاسخ‌های

خدا را هر روزه در زندگی تان مشاهده کنید.»
من می دانستم هدفم چیست و می توانستم
شنوندگانم را به طور مشخص به عمل فرا بخوانم.

هدف موعظه و روش ارائه آن

وقتی هدف موعظه تان در فکرتان روشن و
مشخص باشد، باید تصمیم بگیرید که چگونه آن
را «تنظیم» کنید. هدف به محتوای پیام مربوط
می شود. اما اکنون باید تصمیم بگیرید که با چه
«روشی» آن را ارائه دهید. واعظین برجسته از
چند روش کلاسیک استفاده کرده اند. من به
معرفی چند روش از میان این روش ها خواهم
پرداخت. سپس پیشنهاد خواهم کرد که کدام
یک را بیشتر استفاده کنید. پس از آن، خود
می توانید روش های جدید تجربه کنید. اینچنین،
در خدمت موعظه ترقی خواهید کرد.

۱- تشریح يك اندیشه

از این روش زمانی می‌توانید استفاده کنید که بخواهید یک نکته‌الاهیاتی را به جماعت تعلیم دهید. این نکته را بر اساس متنی از کتاب مقدس که انتخاب کرده‌اید تشریح کنید و به آنان نشان دهید که این نکته چه تغییری می‌تواند در زندگی‌شان پدید آورد. در مقدمه موعظه، این نکته را به طور کامل بیان کنید. سپس در بخش اصلی موعظه، به تجزیه و تحلیل آن پردازید. در قسمت نتیجه‌گیری، آن نکته را مجدداً تکرار کنید و مشخصاً بیان کنید که شنوندگان چه واکنشی باید در قبال آن نشان دهند. یک بار، از کولسیان ۱: ۱۵-۲۰ در مورد خداوندی مسیح موعظه کردم. گفتم که هدف پولس این بود که مخاطبینش به روشنی درک کنند که عیسی خداوند است و از ایشان خواست که این حقیقت را در زندگی‌شان پیاده کنند. در بخش اصلی موعظه، آیات فوق را یک به یک

بررسی کردم و نشان دادم که عیسی کیست، و اینکه واکنش ما باید نه فقط پذیرش او در مقام نجات‌دهنده‌مان باشد، بلکه باید در مقابل او سر خم کنیم و اعتراف کنیم که او خداوند زندگی ماست. در قسمت نتیجه‌گیری، مجدداً این نکته را بیان کردم که و از شنوندگانم خواستم که به عیسی در مقام خداوند تسلیم شوند. این روش امتحان خود را در طول زمان پس داده و بسیار موثر است.

۲- اثبات يك حقيقت

از این روش زمانی استفاده کنید که می‌خواهید حقیقتی را به جماعت ثابت کنید که در پذیرش آن مشکل دارند. این حقیقت را در قسمت مقدمه موعظه بیان کنید و در بخش اصلی موعظه به ارائه دلایل و استدلال‌ات خود برای اثبات آن پردازید. برای مثال، اگر می‌خواهید موعظه‌ای بر اساس اول قرن‌تین ۳: ۱-۴ تهیه کنید، متوجه

خواهید شد که موضوع اصلی این است که پولس ایمانداران قرن‌تس را نوزادان روحانی می‌خواند. می‌توانید موعظه را با این سوال آغاز کنید: «آیا در مسیح رشد کرده‌اید یا هنوز در روحانیت نوزاد هستید؟» در اینجا شما یک حقیقت روحانی را مد نظر دارید: در جماعت شما ایمانداران رشد نیافته بسیاری هستند. قصد شما این است که ایشان را متقاعد سازید که رشد کنند. به همین جهت، در بخش اصلی موعظه‌تان می‌توانید خصوصیتی را که پولس به نوزادان روحانی نسبت می‌دهد بر شمارید. هدف شما از این کار این است که به شنوندگان‌تان کمک کنید تا وضعیت روحانی خود را درک کنند. در قسمت نتیجه‌گیری، دلایل خود را جمع‌بندی کنید و بیان دارید که اکنون زمان رشد فرا رسیده است. این روش شباهت زیادی به مسائل هندسه دارد. قضیه‌ای را بیان می‌کنید و بعد به اثبات آن می‌پردازید.

۳- کاربرد يك اصل

از این روش زمانی می‌توانید استفاده کنید که بخواهید به جماعت تعلیم دهید که چگونه یک اصل روشن کتاب مقدس را در زندگی خود پیاده کنند. در مقدمهٔ موعظه می‌توانید آن اصل را مطرح کنید. در دنبالهٔ موعظه، توضیحات بیشتری پیرامون کاربرد آن ارائه دهید. هدف این است که شنوندگان این اصل را به خوبی درک کنند و مایل باشند آن را در زندگی خود به کار ببندند. برای مثال، در رسالهٔ یعقوب ۴: ۶ با یک اصل اساسی مواجه هستیم: «خدا متکبران را مخالفت می‌کند، اما فروتنان را فیض می‌بخشد.» در آیهٔ ۱۰ نیز آمده که خدا خودش فروتنان را سرفراز خواهد نمود. این یکی از اصول مهم کتاب مقدس است. می‌توانید آن را در قالب یک سوال عنوان کنید: «آیا ناراحتید از اینکه دیگران از ملایمت و مهربانی شما سوءاستفاده می‌کنند؟ آیا فکر می‌کنید حق‌تان را ضایع می‌کنند؟ آیا

مایلید بدانید «خدا» دربارهٔ فروتنی شما چه فکر می‌کند؟» سپس می‌توانید اصل فوق را مطرح سازید و بر اساس آیات مذکور، کاربرد آن را شرح دهید و با نمونه‌هایی از زندگی مردان خدا در کتاب مقدس، آن را روشن‌تر سازید.

موعظهٔ خوب تصادفی به دست نمی‌آید، بلکه حاصل کار زیاد و دعای واعظ است که در اثر کنکاش آیات، هدف آنها را کشف می‌کند و بعد تصمیم می‌گیرد که چگونه پیام خود را به شنوندگان منتقل سازد.

بخش هشتم

گوشت موعظه

ساختار کلی موعظه (رئوس مطالب موعظه) هرچقدر هم خوب باشد، در نهایت همچون استخوان بندی بدن است که نیاز به گوشت دارد تا پر شود. کسی که موعظه خوبی را می شنود، چندان متوجه ساختار کلی و رئوس مطالب آن نمی شود، چرا که این ساختار فقط برای آن است که بخش های مختلف موعظه را منسجم و یکپارچه نگاه دارد. آنچه که برای شنونده اهمیت دارد، گوشتی است که این استخوان بندی را پر می کند. به همین منظور، در اینجا چند ابزار مهم را برای تهیه «گوشت موعظه» مورد بررسی قرار می دهیم.

تکرار نکات مهم

نکات مهم موعظه را باید به شکل‌های گوناگون تکرار کنیم. موعظه هنری است شفاهی؛ به همین جهت، شنوندگان نیاز دارند همان حقایق را در اشکال مختلف بشنوند. وقتی نکات مهم موعظه را به اشکال گوناگون بازگو می‌کنید، برای شنونده روشن‌تر می‌شوند.

این کار را می‌توانید به صورت منفی و نیز به صورت مثبت انجام دهید. یعنی می‌توانید توضیح دهید که منظورتان چه هست و چه نیست. همچنین می‌توانید نکات مهم را در پایان هر بخش از موعظه مجدداً تکرار کنید. برای مثال، یک بار دربارهٔ هفت نشانهٔ غرور پنهان در فرد مسیحی موعظه می‌کردم، و هر بار که به نشانهٔ بعدی می‌رسیدم، عناوین نشانه‌های قبلی را تکرار می‌کردم.

توضیح مفاهیم کتاب مقدسی

هیچگاه فرض را بر این نگیرید که شنوندگان تان تمام کلمات و اصطلاحات و مفاهیم کتاب مقدس را می‌دانند. یک نوایمان به تازگی از من پرسید: «هللویاه یعنی چه؟» یا یک بار که درباره اشعیا فصل ششم و مواجه شدن اشعیای نبی با قدوسیت خدا موعظه می‌کردم، احساس کردم که باید کلمه «قدوسیت» را تشریح کنم. به همین دلیل توضیح دادم که «قدوسیت» یعنی «جدا شدن»؛ پس مقدس یعنی چیز یا کسی که برای خدا جدا شده و متعلق به اوست. من این را در نظر داشتم که ممکن است شنوندگانم درک روشنی از مفهوم قدوسیت نداشته باشند. بنابراین، برای تشریح مفاهیم کتاب مقدسی وقت صرف کنید.

ارائه اطلاعات مفید

آمار مفید یا اطلاعات تاریخی اغلب باعث تقویت

موعظه‌تان می‌شود. اما باید مراقب باشید که آمار و اطلاعات‌تان دقیق و درست باشد.

نقل قول‌ها

بسیار خوب است که همیشه آن بخش‌ها از کتاب مقدس را که مطالب‌تان را روشن می‌کنند، نقل قول کنید. همچنین می‌توانید از متفکرین و خادمین برجسته مسیحی نیز نکات مفیدی نقل قول کنید. گاه شاید مناسب باشد یک بند از یک سرود یا یک شعر روحانی را نقل کنید. نقل قول‌های خوب همچون نمک است بر غذا. مقدار درست نمک به غذا طعم می‌بخشد، اما نمک زیادی غذا را غیر قابل خوردن می‌کند.

بازگو کردن داستان

بیان یک داستان اغلب کمک بزرگی است برای روشن ساختن یک حقیقت و به خاطر سپردن آن. نقل داستان به درک آیاتی که در موعظه

به کار می‌بریم کمک می‌کند، اما نباید بر آن حاکم شود. نقش داستان خوب این است که عواطف شنوندگان را بر می‌انگیزد و به ایشان کمک می‌کند که حقایق کتاب مقدس را به زندگی روزمره مرتبط سازند. داستان جالب موجب می‌شود که حواس شنوندگان جمع باشد. وقتی موعظه می‌کنید، به محض اینکه شروع به تعریف داستانی می‌کنید، فوراً متوجه می‌شوید که حالت شنوندگان تغییر می‌کند. داستان یا ماجرای حقیقی اگر مربوط به زندگی روحانی خودتان باشد، سبب می‌شود که ارتباطتان با شنوندگان محکم‌تر شود. اگر داستان یا ماجرا مربوط به زندگی خودتان است، مراقب باشید که آن را برای جلال دادن خودتان استفاده نکنید. اما اگر داستان مربوط به دیگران است، مراقب باشید که اسرارشان را بر ملا نکنید. در این صورت شاید لازم باشد نخست از آنها برای این امر اجازه بگیرید.

اغلب از من می‌پرسند که داستان و تمثیل برای موعظه را از کجا می‌توان به دست آورد. این کار دشواری نیست. فقط کافی است که مشاهده‌گر خوبی باشید. من شخصا اکثر داستان‌ها و تمثیل‌های موعظه‌هایم را از زندگی خودم و دیگران کسب می‌کنم. همچنین آموخته‌ام که داستان‌ها یا تمثیل‌هایی از فرهنگ‌های مختلف نقل کنم. یک بار که درباره ناپاکی ناشی از گناه موعظه می‌کردم، به ماجرای پوست کندن گردو در ایران اشاره کردم که چطور این کار دست‌ها را سیاه می‌کند و اینکه پاک کردن آن چقدر مشکل است. سپس گفتم که گناه نیز قلب انسان را سیاه می‌کند و پاک کردن آن میسر نیست جز با خون گرانبهای عیسی مسیح.

داستان‌های خوب را می‌توانید از کتاب‌ها یا مطالبی که می‌خوانید استخراج کنید. همچنین می‌توانید با خواندن یا گوش کردن موعظه‌های واعظین مشهور ببینید که آنها

چگونه از داستان‌ها و تمثیل‌ها برای توضیح حقایق کتاب مقدس استفاده کرده‌اند. وقتی مطلبی را مطالعه می‌کنید، حتما قلم و کاغذ دم دست داشته باشید و نکات مفید برای استفاده در موعظه‌تان را یادداشت کنید. استاد درس موعظه‌ام در دانشگاه همیشه می‌گفت که وقتی بالای منبر می‌روید، در یک دست‌تان کتاب مقدس باشد و در دست دیگر روزنامه؛ منظورش این بود که موعظه خوب آن است که حقایق الهی را به زندگی روزمره ارتباط دهد. شاید خوب باشد که پرونده‌ای برای گردآوری و نگه‌داری داستان‌ها و نقل‌قول‌ها تهیه کنید. این داستان‌ها و مطالب را می‌توانید بر حسب موضوع‌شان به ترتیب حروف الفبا دسته‌بندی کنید.

فراموش نکنید که شنوندگان داستانی را که بیان می‌کنید برای مدتی طولانی‌تر به یاد خواهند داشت تا پیام‌تان. من متوجه شده‌ام که وقتی

برای بی‌ایمانان موعظه می‌کنم، داستان یا مثالی
از زندگی روزمره، ایشان را به حقایق کتاب مقدس
بهتر متقاعد می‌سازد.

Biblical Preaching by Ashton Stewart

This translation is published by the partnership between Jude Project and TALIM ministries. All rights reserved.

Layout setting: The Jude Project

Farsi translation Copyright © 2019 TALIM ministries

Published by Jaaam Publishers

A Division of The Jude Project

P.O Box 532 Ashburn, VA 20146

www.JudeProject.org

Printed in the United States of America

First Printing 2019

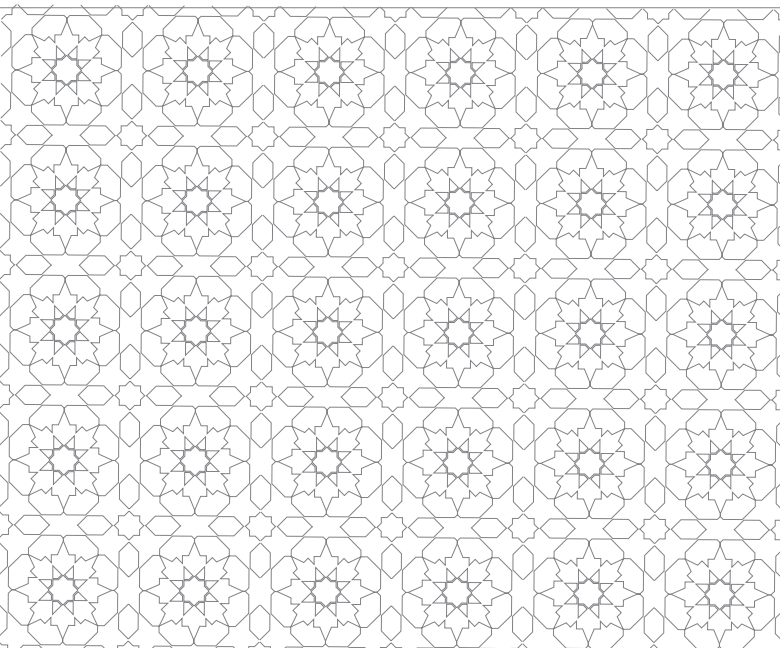
ISBN: 978-1-94169334-6

Interior & Cover Design: Jude Project

No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system, or transmitted in any form by any means—for example electronic, photocopy, recording—without the prior written permission of the publisher. The only exception is brief quotation in printed reviews.

If you would like more information about the Jude Project
or information about other resources in Farsi, or other
languages, visit www.judeproject.org or email us at:

order@judeproject.org



کشیش تت استیوارت دانش آموخته
الاهیات مسیحی در دانشکده الاهیات
پرینستون و مدیر سازمان تعلیم
است. تت استیوارت کتب دیگری
نیز از جمله «تشخیص دعوت الاهی
برای خدمت» و «تربیت فرزندان» را
به رشته تحریر درآورده است.



 JUDE PROJECT

مجموعه تعلیم

ISBN 978-1-941693-34-6



9 781941 693346